پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۳
۹۱۴
شماره ۴۱۹۷
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

# مسیر استقلال و توسعه چینی

## پکن چگونه به سیاست سختگیرانه آمریکا درقبال چین نگاه می‌کند؟

**تغییر سیاست‌های آمریکا در قبال چین و تهدید و حتی دشمن تلقی کردن این کشور از سوی واشنگتن، این پرسش را به‌اجبار می‌کند که پکن چگونه به این تغییر رویکرد نگاه می‌کند و چه راهی برای مقابله با آن درپیش دارد؟ درسال‌های اخیر واشنگتن سیاست‌های سختگیرانه‌ای در حوزه اقتصاد و به‌ویژه دسترسی به فناوری‌های پیشرفته علیه چین به اجرا گذاشته است. در مقابل پکن سرمایه‌گذاری زیادی روی فناوری‌های پیشرفته صورت داده و تا نه‌رفته وابستگی کمتری به آمریکا و متحدانش داشته باشد. بو جی، پژوهشگر ارشد در زمینه چین در برنامه آسیا- اقیانوسیه در اندیشکده سی‌ان‌اس نیسا تاجع به این موضوع پرداخته است. او که روی فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی چین و همچنین دیپلماسی اقتصادی چین تمرکز دارد، به‌طور مرتب در رسانه‌های بزرگ نظرات خود را مطرح می‌کند. متن زیر گفته‌های مقاله وی با عنوان چین در محاصره است که در اندیشکده چتم هوس منتشر شده است. اگر چه این مقاله تا حدودی جانبدارانه نوشته شده اما مطالعه آن می‌تواند به درک بحران‌های دو کشور و همچنین نگاه متفکران چین در مواجهه با آمریکا کمک کند.**

سخت‌تر شدن سیاست ایالات‌متحده در قبال چین در سال‌های اخیر عمدتا توسط آمریکا و متحدانش به‌عنوان پاسخی به تغییرات اقتصادی و سیاسی در پکن که توسط حزب کمونیست چین، رئیس جمهور چین و دبیرکل حزب حاکم کمونیست چین (CPC) اجرا شده، شکل گرفته است. اما رابطه بین این دو قدرت بزرگ که برای نفوذ جهانی رقابت می‌کنند بسیار پیچیده‌تر است و با پویایی‌های پیچیده دوطرفه شکل می‌گیرد. درحالی‌که در محافل روابط بین‌الملل در مورد تجربه نگرش ایالات‌متحده از چین مطالب زیادی نوشته شده، تحلیل‌های کمتری از تغییر تفکر استراتژیک پکن تحت تشدید رقابت ایالات‌متحده و چین صورت گرفته است. برخی دانشگاهیان و کارشناسان بانفوذ چینی مدت‌هاست انتظار این را داشتند و برخی حتی خواهان رویارویی تعیین‌کننده با ایالات‌متحده بودند. اما حتی با تمرکز قدرت و فرسایش بیشتر فضا برای بحث عمومی در دوره ریاست جمهوری شی، تا همین اواخر، هنوز بحث نسبتا گسسته‌ای از دامنه استراتژیک چین- سیاستگذاران، دانشگاهیان بانفوذ و افراد مرتبط دارایش آزادی بخش خلق- وجود داشت؛ فضای هم‌زیستی و همکاری با آمریکا.

### معرفی

برخی محافل سیاسی پکن امیدوار بودند که شاید انتخاب جو بایدن رئیس جمهور ایالات‌متحده در سال ۲۰۲۰ نوید نرم شدن سیاست تقابلی دونالد ترامپ رئیس جمهور پیشین باشد. بااین حال این امیدها با پیگیری سیاست‌های سختگیرانه مقابله توسط رئیس جمهور بایدن که به روشی پیچیده‌تر، هماهنگ‌تر و محتوایی‌تر اجرا شده، بر باد رفته‌اند. در نتیجه دیدگاه غالب در پکن از حس خوش‌بینی محتاطانه‌ای به چین می‌تواند زمان را در یک رقابت طولانی مدت رقم کند شده است به‌سمت بدبینی سوق یافته است. این بدبینی تیوری تغییر یافته است. همان طور که طی اظهارکرده، پکن، با رقابت طولانی‌مدت با ایالات‌متحده مواجه است. دولت بایدن می‌تواند قصد ندارد چین را محدود، خنثا یا جنگ سرد جدیدی راه اندازد. بااین حال پکن در تلاش‌های فزاینده واشنگتن برای حفظ برتری تکنولوژیکی خود، محدود کردن دسترسی چین به بازارهای جدید و ساخت اتحادی در مجتمع‌های رقابتی با چالش چین، شواهد واضحی از یک استراتژی محدودسازی را می‌بیند. تصمیم‌گیری در پکن در خلأ صورت نمی‌گیرد. این احساس که این «تحت محاصره» است، سیاست‌های آینده پکن را شکل خواهد داد، زیرا چین خود را برای دشمنی طولانی مدت با بزرگ‌ترین اقتصاد جهان آماده می‌کند. مشابه با درخواست کیسینجر برای، مدیر دفتر تحقیقات فدرال آمریکا، برای یک واکنش «همه جانبه اجتماعی» به آنچه او «تهدید چین» نامیده، سیاستگذاری چین در قبال آمریکا اکنون به یک رویکرد «همه جانبه ملی» تبدیل شده که فراتر از حوزه روابط خارجی است و شامل سیاه‌اندار و منابع سراسر کشور می‌شود. ابتکارات سیاستی مانند «چرخش دوگانه» و همچنین طرح‌هایی که هدف شان خودکفایی علمی و افزایش ارزش صادرات چین است، همه بخشی از واکنش به این درک هستند که واشنگتن به‌دنبال مهار چین است.

اگرچه بحث‌های سیاست چین در دوره ایالات‌متحده «حوزه‌های موضوعی بسیاری را در برمی‌گیرد»، این مقاله روی چهار موضوع حساس تمرکز دارد که نشان‌دهنده وسعت رقابت بین دو کشور و انعطاف‌ناپذیری فزاینده دیدگاه‌های چینی در مورد ایالات‌متحده است؛ مبارزه بر سر نظم جهانی، امنیت اقتصادی، نقاط اشتعال منطقه‌ای ازجمله تایوان و دریای چین جنوبی و جنگ در اوکراین. علی‌رغم تمرکز قدرت در دست شی، رهبری حزب کمونیست همچنان برای مشاوره به مجموعه کوچکی از دانشگاهیان و کارشناسان با نفوذ روی می‌آورد. با بررسی انتقادی نوشته‌ها و تحلیل‌های آنها، می‌توان بهتر منوجه تغییر جهت و خطوط سیاست خارجی چین و چگونگی تغییر آن در پاسخ به سیاست‌های تهاجمی علیه چین در سراسر شبکه متحدان و شرکای واشنگتن شد.

ارزیابی جزئیات سیاست چین مورد ایالات‌متحده همچنان کار پیچیده است. سیستم سیاسی چین در مورد اولویت‌های سیاست خارجی خود بسیار غیرشفاف است. با کاهش فضای بحث و گفت‌وگو در داخل چین، طبیعی است بیگانگان تمایل به درک نیات سیاسی و استراتژیست‌های چینی در مورد ایالات‌متحده با یک صدا صحبت می‌کنند. اما تحلیل سخنان عمومی رهبران چینی، مقالات منتشرشده و اظهارات و انتشارات دانشگاهی و اندیشکده‌ها نشان می‌دهد هنوز هم طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها وجود دارد، حتی اگر این طیف درحال محدود شدن باشد.

این مقاله سعی دارد به پاسخ‌هایی در چهار زمینه مورد بحث در اینجا پاسخ دهد:۱- نخبگان سیاسی چین تا چه اندازه دیدگاه خود را نسبت به ایالات‌متحده تغییر داده است؟ ۲- عوامل کلیدی در ایجاد این تغییرات چیست؟ ۳- بازیگران تثبیت‌شده و نوظهوری که سیاست‌گذاری چین در قبال ایالات‌متحده را شکل می‌دهند چه کسانی هستند؟ علاوه‌براینها، این مقاله ارزیابی اکثر دانشگاهیان از یک رقابتی که در آینده ایالات‌متحده و چین بر سر نظم جهانی خواهد داشت را ارائه خواهد کرد. (به کادر ۱ مراجعه کنید).

تحقیقات اینجا بر پایه ترکیبی از مقالات تاثیرگذار اخیر منتشرشده توسط استراتژیست‌های برتر چینی، اظهارات رسمی، مقالات منتشرشده در نشریات دولتی و گفت‌وگوهای خصوصی با استراتژیست‌های برجسته چینی و غربی است. درحالی‌که صدای زیادی از چین‌ها در مورد روابط کشورشان با ایالات‌متحده شنیده می‌شود، این مقاله روی اقوامی تمرکز دارد که بر سیاست‌گذاری تاثیر دارند، چه از طریق دسترسی مستقیم به رهبران ارشد و چه از طریق کانال‌های غیرمستقیم که از طریق رسانه‌ها و مقالات به افکار عمومی شکل می‌دهند و نفوذ سیاسی را اعمال می‌کنند.

### تمرکز سیاست خارجی تحت رهبری شی جین‌پینگ

حزب کمونیست حاکم در فرآیند تصمیم‌گیری در سراسر دستگاه سیاسی چین حضوری فراگیر دارد. دفتر سیاسی (Politburo) که دارای قدرت بی‌حد حصر است، نمای کلی استراتژیک و اهداف بلندمدت سیاست‌های خارجی پکن، ازجمله روابط آن با ایالات‌متحده را تعیین می‌کند. تحت ریاست شی جین‌پینگ، سیاستگذاری خارجی پکن از یک رویکرد چندگانه- که در آن وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف به‌طور جزئی در شکل‌گیری تصمیم نهایی مشارکت داشتند - به شکلی متمرکز از تصمیم‌گیری توسط رئیس جمهور شی و معاونان او در دفتر سیاسی تبدیل شده، درنتیجه کمیسیون مرکزی امور خارجی که اخیرا به این نام تغییر نام داده و در حال حاضر توسط دیپلمات کهنه‌کار، وانگ یی هدایت می‌شود، اکنون به‌عنوان نهاد اصلی هماهنگ‌کننده برای مسائل مرتبط با تصمیم‌گیری و بررسی‌های امور خارجی چین عمل می‌کند. همان طور که شی در سخنرانی خود در پایان سال ۲۰۲۳ اشاره کرد: «ما باید بدون تردید بر اقتدار نهایی رهبری مرکزی حزب کمونیست بر امور خارجی تاکید کنیم.» این سخنرانی در همایش مرکزی حزب در مورد کارهای مرتبط با امور خارجی بیان شد. این گردهمایی سومین بار‌ی بود که تحت رهبری شی جین‌پینگ برگزار شد. گردهمایی‌های قبلی در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ برگزار شدند. هر سه گردهمایی نشانه واضحی است که تصمیمات کلیدی امور خارجی چین، ازجمله سیاست این کشور در قبال ایالات‌متحده، دیگر توسط شورای دولتی تعیین نمی‌شود که به گذشته می‌گزارش می‌دهد. در عوض این تصمیمات اکنون توسط عالی‌ترین رهبران در کمیته مرکزی حزب کمونیست گرفته می‌شود. این‌ترتیب وزارتخانه‌هایی که دارای پورتفولیوهای (زمینه‌های کاری) امور خارجی هستند و به کمیته مرکزی گزارش می‌دهند، تاثیر قابل‌توجهی در شکل‌دهی روابط پکن با ایالات‌متحده داشته‌اند.

دیدگاه رئیس جمهور شی در مورد روابط چین و ایالات‌متحده از یک حس پیروزی یا اعتقاد به تغییر قدرت جهانی به سمت چین در سال ۲۰۱۹ به یک ارزیابی واقع‌بینانه‌تر در سال‌های گذشته تغییر کرده است. چین تحول اساسی‌ای در چشم‌انداز چین پاسخی مستقیم به پیگیری آن چیزی است که پکن به‌عنوان استراتژی محدودسازی چین توسط دونالد ترامپ رئیس جمهور متوالی ایالات‌متحده می‌بیند.

به هیتینگ، مشاور نزدیک رئیس جمهور شی در زمینه ایدئولوژی حزب و معاون رئیس مدرسه مرکزی حزب کمونیست چین گفت: «یکی از اولین کسی بود که رهبران چینی رابه تغییرات شدید در نگرش‌های خارجی به چین آگاه کرد و در یک تفسیر منتشرشده در روزنامه پیپلز دیلی اشاره کرد که «هنوز یک دوره فرصت استراتژیک» محدود باقی مانده است. دیدگاه او نشان‌دهنده افزایش حس اضطراب در میان رهبران ارشد حزب، به‌ویژه رئیس جمهور شی، در مورد روابط ناپایدار پکن با واشنگتن بود. بین سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، ارزیابی شی از محیط خارجی چین حتی تیوترش شد، به‌ویژه پس از «حمله روسیه به اوکراین. شی و چن یی‌شین دبیرکل کمیته امور سیاسی و حقوقی مرکزی حزب کمونیست چین آشکارا به «سه شوک شدید» (بلندمدی کووید-۱۹، روند داخلی رقابت شدید اقتصادی با ایالات‌متحده) اشاره و تاکید کردند. استراتژی محدودسازی آمریکا، احتمالا محدود به یک جنگ طولانی‌مدت با پیوست خواهد شد. در اکتبر ۲۰۲۲، در جریان کنگره بیستم حزب، شی به طور کامل مفهوم «نوع جدید روابط قدرت‌های بزرگ» که قبلا در استراتژی‌های سیاسی استفاده می‌شد و اولین بار تحت ریاست جو بایدن به‌عنوان رویکردی برای اجتناب از درگیری مطرح شده بود، کنار گذاشت. حذف این مفهوم نشان می‌دهد پکن به این نتیجه رسیده، روابط برتش آن با غرب همچنان ادامه خواهد داشت و به‌زودی بهبود نخواهد یافت. برای کاهش تاثیر این رابطه درحال رخداست، چین نیاز دارد برای بدترین حالت جدا‌سازی اقتصادی از غرب آماده شود و درعین‌حال در زمینه بازارها و فناوری‌ها بیشتر خودکفا شود.

شاید واضح‌ترین نظر شی در مورد روابط چین و ایالات‌متحده در ۶ مارس ۲۰۲۳ بیان شد. در جریان «دو جلسه» سالانه پکن، شی صریح‌تر بود. دیدگاه او در مورد همزیستی چین با ایالات‌متحده و غرب ارائه داد: «کشورهای غربی به رهبری ایالات‌متحده، محدودسازی، محاصره و سرکوب همه جانبه چین را اجرا کرده‌اند. این چالش‌های بی‌سابقه‌ای برای توسعه کشورما به‌وجود آمده است»، ارزیابی او از محیط خارجی چین و جنبه‌های امنیتی روابط چین- ایالات‌متحده مشاوره می‌دهد، روایت متفاوتی را ارائه داده که به چالش دیدگاه‌های زوال ایالات‌متحده پرداخته است. به‌طور خاص، دیدگاه او درمورد روابط چین و ایالات‌متحده از یک ارزیابی نسبتا مثبت به یک ارزیابی بدبینانه از «تغییر کیفی و سردی طولانی» بین پکن و واشنگتن تغییر کرده است. تغییر نگاه او به روابط چین و ایالات‌متحده، بازتابی از این است که نخبگان سیاسی در پکن چه نگاهی به واشنگتن در سال‌های اخیر پیدا کرده‌اند.

مکتب فکری دو از کارشناسان اندیشکده‌های مرتبط با دولت چین سرچشمه می‌گیرد. آنها به‌عنوان «بدبینان محتاط» دسته‌بندی می‌شوند. آنها به طور صریح ادعا می‌کنند که رهبران ارشد چین در حال افول هدایم است که متاثر از صعود جو بود دارد. این مقاله از تعریف رایج جامعه استراتژیک چین استفاده می‌کند که شامل دانشگاهیان، کارشناسان سیاست، مقامات سابق و کارکنان نظامی بازنشسته‌اند تا بررسی کند که سیتفبه‌ایه دولت مرکزی چین با حزب کمونیست حاکم مشاوره می‌دهند. برخلاف دست‌اندرکاران نشانه شده چین در جامعه استراتژیک ایالات‌متحده، معادل‌های چینی آنها اغلب در رسانه‌های بین‌المللی پروفایل کمتری دارند. در جامعه استراتژیک چین، سه گروه اصلی وجود دارد.

گروه اول شامل محققان از برخی معتبرترین دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی چین می‌شود که با دولت مرکزی ارتباط دارند. برای نمونه وانگ جیسه و جیا چیانگ از دانشگاه پکن، داوی از دانشگاه تسینگ هوا و یو شین‌یو از دانشگاه فودان. آنها به شدت رهبری شی جین‌پینگ برگزار شد. گروه‌هایی که قبلی در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ برگزار شدند. هر سه گروه‌هایی نشانه واضحی است که تصمیمات کلیدی امور خارجی چین، ازجمله سیاست این کشور در قبال ایالات‌متحده، دیگر توسط شورای دولتی تعیین نمی‌شود که به کنگره می‌گزارش می‌دهد. در عوض این تصمیمات اکنون توسط عالی‌ترین رهبران در کمیته مرکزی حزب کمونیست گرفته می‌شود. این‌ترتیب وزارتخانه‌هایی که دارای پورتفولیوهای (زمینه‌های کاری) امور خارجی هستند و به کمیته مرکزی گزارش می‌دهند، تاثیر قابل‌توجهی در شکل‌دهی روابط پکن با ایالات‌متحده داشته‌اند.

دیدگاه رئیس جمهور شی در مورد روابط چین و ایالات‌متحده از یک حس پیروزی یا اعتقاد به تغییر قدرت جهانی به سمت چین در سال ۲۰۱۹ به یک ارزیابی واقع‌بینانه‌تر در سال‌های گذشته تغییر کرده است. چین تحول اساسی‌ای در چشم‌انداز چین پاسخی مستقیم به پیگیری آن چیزی است که پکن به‌عنوان استراتژی محدودسازی چین توسط دونالد ترامپ رئیس جمهور متوالی ایالات‌متحده می‌بیند.

به هیتینگ، مشاور نزدیک رئیس جمهور شی در زمینه ایدئولوژی حزب و معاون رئیس مدرسه مرکزی حزب کمونیست چین گفت: «یکی از اولین کسی بود که رهبران چینی رابه تغییرات شدید در نگرش‌های خارجی به چین آگاه کرد و در یک تفسیر منتشرشده در روزنامه پیپلز دیلی اشاره کرد که «هنوز یک دوره فرصت استراتژیک» محدود باقی مانده است. دیدگاه او نشان‌دهنده افزایش حس اضطراب در میان رهبران ارشد حزب، به‌ویژه رئیس جمهور شی، در مورد روابط ناپایدار پکن با واشنگتن بود. بین سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، ارزیابی شی از محیط خارجی چین حتی تیوترش شد، به‌ویژه پس از «حمله روسیه به اوکراین. شی و چن یی‌شین دبیرکل کمیته امور سیاسی و حقوقی مرکزی حزب کمونیست چین آشکارا به «سه شوک شدید» (بلندمدی کووید-۱۹، روند داخلی رقابت شدید اقتصادی با ایالات‌متحده) اشاره و تاکید کردند. استراتژی محدودسازی آمریکا، احتمالا محدود به یک جنگ طولانی‌مدت با پیوست خواهد شد. در اکتبر ۲۰۲۲، در جریان کنگره بیستم حزب، شی به طور کامل مفهوم «نوع جدید روابط قدرت‌های بزرگ» که قبلا در استراتژی‌های سیاسی استفاده می‌شد و اولین بار تحت ریاست جو بایدن به‌عنوان رویکردی برای اجتناب از درگیری مطرح شده بود، کنار گذاشت. حذف این مفهوم نشان می‌دهد پکن به این نتیجه رسیده، روابط برتش آن با غرب همچنان ادامه خواهد داشت و به‌زودی بهبود نخواهد یافت. برای کاهش تاثیر این رابطه درحال رخداست، چین نیاز دارد برای بدترین حالت جدا‌سازی اقتصادی از غرب آماده شود و درعین‌حال در زمینه بازارها و فناوری‌ها بیشتر خودکفا شود.

شاید واضح‌ترین نظر شی در مورد روابط چین و ایالات‌متحده در ۶ مارس ۲۰۲۳ بیان شد. در جریان «دو جلسه» سالانه پکن، شی صریح‌تر بود. دیدگاه او در مورد همزیستی چین با ایالات‌متحده و غرب ارائه داد: «کشورهای غربی به رهبری ایالات‌متحده، محدودسازی، محاصره و سرکوب همه جانبه چین را اجرا کرده‌اند. این چالش‌های بی‌سابقه‌ای برای توسعه کشورما به‌وجود آمده است»، ارزیابی او از محیط خارجی چین و جنبه‌های امنیتی روابط

### کادر ۱. دیدگاه چین نسبت به ترامپ ۲: معامله‌گر بدون خطوط قرمز

با توجه به اینکه کاندیداهای ریاست جمهوری ایالات‌متحده احتمالا در رقابت با یکدیگر سختگیرانه در مورد چین صحبت خواهند کرد، جامعه استراتژیک پکن انتظار هیچ بهبود قابل توجهی در روابط چین و ایالات‌متحده قبل از انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ ندارد. با نزدیک شدن به انتخابات، کارشناسان استراتژیک چینی در حال بررسی این هستند که بازگشت احتمالی دونالد ترامپ به کاخ سفید چه معنایی برای کشورشان خواهد داشت. ترامپ ۲ (دور دوم ریاست جمهوری ترامپ) در اروپا با ترس و نگرانی دنبه می‌شود، با توجه به اینکه رئیس جمهور سابق ایالات‌متحده در دوران قبلی خود ظاهرا تمایلی به متحدان اتلانتیکی خصومت داشت. صحبت‌های مکرر ترامپ در مورد قطع حمایت از اوکراین به خصوص برای اروپا دشوار خواهد بود. اما برای چین، ظهور مجدد سیاسی سازنده سابق اعلامی می‌تواند راه را برای بهبود روابط با مرکوسل و کشورهای اروپایی هموار کند. چین لزوما به‌عنوان یک تهدید وجودی برای اروپا دیده نمی‌شود؛ بلکه بیشتر به عنوان ترکیبی از یک رقیب استراتژیک (به میزان بیشتر) و یک شریک (به میزان محدود) دیده می‌شود. علاوه‌بر احتمال آشتی بیشتر دشوار اما ممکن بین چین و اروپا، دوره دوم ترامپ می‌تواند پیش‌بینی‌ناپذیری بیشتری را به همراه بیاورد که ممکن است مسائل دوجانبه پیچیده‌ای مثل تجارت، کنترل‌های صادرات فناوری و تایوان را بدتر کند. برای مثال رایزت لایتهایزر، نماینده تجاری ایالات‌متحده در دوران اول ترامپ، قبلا به‌شدت از جدایی کامل از پکن بدون توجه به پیامدها حمایت کرده است. همچنین جمهوری خواهان قبلا پیشنهاد داده‌اند نیروی نظامی به‌عنوان یک «تهدید ملی» برای ایالات‌متحده شناخته شود. درعین‌حال در پکن، اکثر دانشمندان و دیپلمات‌های ارشد از اظهارنظر عمومی در مورد بازگشت احتمالی دونالد ترامپ خودداری کرده‌اند تا از دیده شدن به‌عنوان دخالت در انتخابات جلوگیری کنند. و ممکن است ترس‌های بیشتر از پکن در کنگره ایالات‌متحده برانگیزد. با این حال گفته‌های پروفسور یان ژونتونگ نشان می‌دهد احساس نگرانی عمیقی در جامعه استراتژیک چین وجود دارد، «پیروزی ترامپ ممکن است از ابتدای سال ۲۰۲۵ ناپایداری بیشتری در روابط چین و ایالات‌متحده ایجاد کند.» با بازگشت احتمالی دونالد ترامپ، رهبران چینی احتمالا این روایت را تقویت خواهند کرد که ایالات‌متحده تنها و مهم‌ترین منبع بی‌ثباتی جهانی است، درحالی‌که چین را به عنوان یک قدرت جهانی مسئول و با اعتماد به‌نفس که قادر به ایستادگی در برابر هژمونی ایالات‌متحده است، معرفی می‌کنند. همان طور که وانگ یی، وزیر امور خارجه چین اخیرا بیان کرده است «دیپلماسی فعال، گسترده‌تر چین نشان‌دادن نقش آینده این کشور در دنیایی است که به‌طور فزاینده‌ای تحت تسلط رقابت چین و ایالات‌متحده قرار دارد. به این ترتیب پکن همچنان تلاش خواهد کرد تا دستورکار حکمرانی جهانی را هم در سطح در جاینه و هم در سطح جهانی برای مقابله با نفوذ ایالات‌متحده بازسازی کند. برای پکن، بازگشت دونالد ترامپ ممکن است به‌عنوان یک فرصت نادر برای تنظیم مجدد روابط دوجانبه با ایالات‌متحده باشد، زیرا او اغلب مایل است که خارج از پارامترهای سیاسی سنتی معامله کند. با این حال، سبک رهبری او باعث نگرانی بیشتر برای رهبران چینی خواهد شد زیرا ترامپ تمایل دارد بر منافع خود تمرکز کند بدون توجه به پیامدها، همان طور که توسط دولت ترامپ که رویکرد ثابت نسل‌های رهبران ایالات‌متحده و چین نسبت به تایوان را نادیده گرفت، نشان داده شد.

ادامه از صفحه ۱۵





پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۳
۹۱۴
شماره ۴۱۹۷
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

مورد نیاز به یک پاسخ هوشمندتر وجود دارد. یکی از رویکردهایی که به‌طور منظم مورد بحث قرار گرفته و توسط پکن در حال اجرا است، ایجاد یک شبکه گسترده‌تر از زنجیره تامین تجاری و مواد حیاتی با دیگر مناطق به‌منظور مقابله با تلاش‌های ایالات‌متحده برای انزوای چین از نظر تکنولوژیک و صنعتی است.

رویکرد دوم پیشنهادی، حفظ تعادل در سرمایه‌گذاری‌ها بین شرکت‌های دولتی و بخش خصوصی در فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند هوش مصنوعی، محاسبات کوانتومی و نیمه‌هادی‌ها است. این رویکرد برخلاف سیستم نئولیبرال حاکم در سیاست دولت است که در دیگریسی خودکفایی علمی چین تحت رهبری شی جین‌پینگ به‌شدت جا افتاده است.

### نقاط بحرانی منطقه‌ای؛ تنگه تایوان و دریای جنوب چینی

برای چین و ایالات‌متحده، اختلافات بر سر تایوان و دریای جنوب چینی از پیچیده‌ترین و پرخطرترین مسائل در روابط دوجانبه هستند. جامعه استراتژیک چین افزایش تنش‌های اخیر در تنگه تایوان و دریای جنوب چینی را متوجه دولت‌های ایالات‌متحده، تایوان و فیلیپین را متوجه دولت‌های ایالات‌متحده، تایوان و فیلیپین به دلیل برهم زدن وضعیت موجود و توسعه همکاری‌های دوجانبه می‌داند.

### تنگه تایوان

با وجود گمانه‌زنی‌هایی از سوی برخی رهبران سیاسی و نظامی ایالات‌متحده و رسانه‌های ایالات‌متحده مانند ژاپن و استرالیاست، مشارکت بیشتر متحدان ایالات‌متحده، تنها نگرانی‌های چین را درمورد شکل‌گیری بلوک مخالف تشدید کرده است. و شی جین‌پینگ، یکی از متخصصان برجسته تحت ریاست شی جین‌پینگ منتمرکزتر شده که «واشنگتن با بازی کردن همزمان کارت‌های تنگه جنوبی چین و تایوان موفق‌ترین ست‌اف اتحاد را انجام داده و این باعث اختلال عمده‌ای در روابط چین با ASEAN است، ترس از محاصره توسط ایالات‌متحده، چین را به جرات بیشتری وادار کرده است. در این راستا، پکن لحن دیپلماتیک خود را با پیشنهاد مستقیم مبنی بر اینکه «چین تحمل چالش بی‌فایده فیلیپین را تحمل نخواهد کرد و بنابراین به آن به همان شیوه پاسخ خواهد داد»، تقویت کرده است. در عین حال، چین نیز شدت فعالیت‌های منطقه خاکستری را در دو سال اخیر افزایش داده است؛ از کشتی‌های ساحلی گرفته تا افزایش ساخت جزایر مصنوعی. هیچ یک از این فعالیت‌ها به طور مستقیم نیروی دریایی ایالات‌متحده را هدف قرار نداده است. به جای آن نقطه تمرکز همچنان جلوگیری از فعالیت‌هایی است که توسط متحدان منطقه‌ای ایالات‌متحده راه‌اندازی شده‌اند. ناتوجه به لحن و بیانات عمومی یک اولویت‌های چین شامل بیان موضع خود درخصوص حاکمیت بر دریای جنوبی چین و تهدید و ارعاب کشورهای جنوب شرق آسیا به ویژه فیلیپین است که در قبلی، این گروه دیدگاه پیروزمندانه‌ای درباره نقش جهانی چین دارند. آنها به‌شدت معتقدند که پکن می‌تواند و خواهد توانست ایالات‌متحده را به دلیل قدرت اقتصادی فزاینده چین، سیستم سیاسی منحصربه‌فرد، قدرت نظامی و برتری فناوری‌های خود، به چالش بکشد.

یکی از این «خوشبینان» پروفسور ژانگ ویوی از دانشگاه فودان در شانگهای است، که در رسانه‌های اجتماعی با میلیون‌ها دنبال‌کننده تائیگدار است. او استدلال کرده است که ایالات‌متحده در حال زوال دائمی است و تغییر قدرت جهانی به سمت چین در حال حرکت است. در سال ۲۰۲۱، او در سخنرانی درباره استراتژی ارتباطات جهانی چین و ارائه روایت مثبت چین به اقتصادی برای ایالات‌متحده صحبت کرد. او در حضورهای منظم خود در رسانه‌های اجتماعی، اغلب به صراحت استدلال رایج‌ای (یا نادرست) را مطرح می‌کند که در آن سال‌های پس از جنگ سرد بر سایر اشکال قدرت‌ها، مانند فاشیسم و کمونیسم، پیروز شده است- رارد کرده و اظهار کرده است که «در قدرت سخت و نرم ایالات‌متحده به‌طور قابل توجهی در حال افول است و جهان به سوی یک عصر پس از سلطه آمریکا پیش می‌رود».

کارشناسان دیگر مانند ژیان بازنشسته دانی‌ژو، که در ارتش آزادی بخش خلق خدمت کرده و در دانشگاه دفاع ملی پکن به تدریس استراتژی نظامی پرداخته است نیز دیدگاه اول ایالات‌متحده را تکرار کرده و استدلال کرده است؛ «پکن نباید از فشار استراتژیک تجدید شده ایالات‌متحده در نقاط بحرانی منطقه‌ای بترسد. پکن باید به ایالات‌متحده بفهماند که چین نباید مورد زورگویی قرار گیرد».

با بررسی این سه دیدگاه متنوع، نتیجه‌گیری درباره اینکه کدام مکتب فکری غالب است و سیاست پکن را شکل می‌دهد و بر رهبری آن تاثیر می‌گذارد، دشوار خواهد بود. سیاست فعلی چین درمورد ایالات‌متحده تحت تاثیر هر سه دیدگاه است. رهبران چینی در حال پیمایش در حال پیمایش در محیط سیاستمداران و پیچیده‌ای هستند، در حالی که به نخبگان استراتژیک خود اجازه می‌دهند نظرات مختلف را در نظر بگیرند.

### امنیت اقتصادی و رقابت‌های تکنولوژیک

اگرچه چین به مدت دست‌کم یک دهه به ترویج خودکفایی اقتصادی و تکنولوژیکی چین به مدت دست‌کم یک دهه به ترویج خودکفایی اقتصادی و دستیابی به استقلال تکنولوژیک چین است، در این دسته قرار می‌گیرد. او در مقاله‌ای طولانی منتشرشده در مجله مطالعات امنیت ملی، استدلال قوی‌ای ارائه داد که هرچند دو طرف ممکن است نتوانند معضل امنیتی بنیادی خود را به‌زودی حل کنند ولی پکن و واشنگتن می‌توانند نقاط مشترکی در پیگیری عناصری از امنیت انسانی جهانی پیدا کنند؛ مانند مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با دزدان دریایی و ابتکارات برای مقابله با تغییرات اقلیمی و امنیت غذایی. به همین ترتیب، همکارش جن‌پن‌سین، مدیر مطالعات آمریکایی در CICIR، استدلال کرد که افول نسبی ایالات‌متحده و صعود چین، دو کشور را به دوره‌ای از این بست استراتژیک، سوق داده است. این بن‌بست، می‌تواند به عنوان پیش‌نیاز مهمی برای هم‌زیستی صلح‌آمیز عمل کند. اما همچنین می‌تواند به دلیل درگیری‌های مداوم بر سر قدرت اقتصادی و نظامی از بین برود.

مکتب سوم را می‌توان به عنوان «خوشبینان افراطی» دسته‌بندی کرد. بیشتر آنها متخصصان سیاست خارجی ایالات‌متحده نیستند؛ برخلاف دو گروه قبلی، این گروه دیدگاه پیروزمندانه‌ای درباره نقش جهانی چین دارند. آنها به‌شدت معتقدند که پکن می‌تواند و خواهد توانست ایالات‌متحده را به دلیل قدرت اقتصادی فزاینده چین، سیستم سیاسی منحصربه‌فرد، قدرت نظامی و برتری فناوری‌های خود، به چالش بکشد.

پکن از این «خوشبینان» پروفسور ژانگ ویوی از دانشگاه فودان در شانگهای است، که در رسانه‌های اجتماعی با میلیون‌ها دنبال‌کننده تائیگدار است. او استدلال کرده است که ایالات‌متحده در حال زوال دائمی است و تغییر قدرت جهانی به سمت چین در حال حرکت است. در سال ۲۰۲۱، او در سخنرانی درباره استراتژی ارتباطات جهانی چین و ارائه روایت مثبت چین به اقتصادی برای ایالات‌متحده صحبت کرد. او در حضورهای منظم خود در رسانه‌های اجتماعی، اغلب به صراحت استدلال رایج (یا نادرست) را مطرح می‌کند که در سال‌های پس از جنگ سرد بر سایر اشکال قدرت‌ها، مانند فاشیسم و کمونیسم، پیروز شده است- رارد کرده و اظهار کرده است که «در قدرت سخت و نرم ایالات‌متحده به‌طور قابل توجهی در حال افول است و جهان به سوی یک عصر پس از سلطه آمریکا پیش می‌رود».

مکتب اول می‌توانند به عنوان «بدبین‌های میانه‌رو بین‌المللی» دسته‌بندی شوند. این مکتب شامل افرادی می‌شود که به‌طور منظم به چین سفر کرده و این مسائل را با همتایان غربی خود به بحث می‌گذارند. آنها براساس ارزیابی از قدرت پایدار ایالات‌متحده تلاش می‌کنند رهبری چین را متقاعد کنند که باید رویکردی محتاطانه‌تر نسبت به ایالات‌متحده اتخاذ کنند. این گروه شامل برخی برجسته‌ترین محققان روابط بین‌الملل چین می‌شود. آنها به طور معمول استدلال می‌کنند افول ایالات‌متحده احتمالا به‌تدریج و غیرخطی خواهد بود و پیش‌بینی آن دشوار است، زیرا واشنگتن با دنیای چندقطبی‌تر سازگار می‌شود.

یک مثال خوب، یان شوینتگ، استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه تسینگ هوا یکی از معتبرترین موسسات تحقیقاتی چین و دبیرکل مجمع حمل چهانی است. او به‌عنوان یکی از تاثیرگذارترین متفکران استراتژیک چین، به طور مداوم استدلال کرده «زوال ایالات‌متحده نباید به صورت چین به چین زوالی ممکن است همیشه به نحوی که چین انتظار دارد، پیش نرود.»

یک متفکر استراتژیک برجسته دیگر، پروفسور ژو فنگ از دانشگاه نانجینگ، متخصص برجسته سیاست خارجی ایالات‌متحده، به طور مستقیم به دولت چین در مسائل دریای جنوبی چین و جنبه‌های امنیتی روابط دارد. فعالیت‌های چین در تنگه جنوبی چین شامل تعدادی از تاکتیک‌های منطقه خاکستری است، از جمله ساخت جزایر مصنوعی، تاسیسات نظامی و اعلام یک منطقه شناسایی دفاع هوایی (ADIZ) در این منطقه. این اقدامات تنش‌هایی را با کشورهای همسایه، به‌ویژه با فیلیپین که ادعاهای متقابلی روی بخش‌هایی از تنگه جنوبی چین دارد، افزایش داده است. این مناقشه ادامه دار به دوره دوم ریاست جمهوری ایالات‌متحده برگردد و اکنون به یک محرک امنیتی دائمی بین چین، چندین کشور جنوب شرقی آسیا و ایالات‌متحده تبدیل شده است. ایالات متحده از طریق شبکه نظامی فعال در منطقه اقیانوس آرام و پیمان‌نامه با فیلیپین، به طور پیچیده‌ای با این وضعیت تنش‌آلود مرتبط است. هنگامی که فردیناند مارکوس جونیور در سال ۲۰۲۲ به عنوان رئیس جمهور فیلیپین انتخاب شد پکن تصور می‌کرد که او به ادامه گرایش به سمت چین مطابق با سلف خود، رودریگو دوترته ادامه خوا